

«مقاله پژوهشی»

## تبیین ضرورت توجه به «وجوه قرآنی» منقول از اهل بیت (ع)

### در ترجمه صحیح قرآن کریم

حسن اصغریور<sup>۱</sup>، نجیبه قدیانی<sup>۲</sup>

۱. استادیار، گروه قرآن و حدیث، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول) H.asgharpour@shahed.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران Ghadyani.n53@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۵؛ پذیرش: ۱۴۰/۰۶/۲۶

## Explaining the Necessity of Paying Attention to the "Qur'anic Aspects" Quoted from Ahl al-Bayt (AS) in the Correct Translation of the Holy Qur'an

Hasan Asgharpour<sup>1</sup>, Najibeh Ghadyani<sup>2</sup>

1. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, University of Shahid, Tehran, Iran. (Corresponding Author)  
H.asgharpour@shahed.ac.ir

2. M.Sc in Department of Qur'an and Hadith, University of Qur'an and Hadith, Tehran, Iran. Ghadyani.n53@gmail.com

### Abstract:

Vocabulary knowledge was established with the aim of serving to understand the difficult words and expressions of the Qur'an. The history of the foundation of this knowledge goes back to the second century of Hijri. The first exegetical works written in the Islamic world were actually books aimed at interpreting and explaining difficult Qur'anic vocabulary, which were published in the form of Gharib al-Qur'an, Ma'ani al-Qur'an and Majaz al-Qur'an. Vocabulary knowledge itself consists of sub-branches; "Al-Qur'an Forms" is considered one of the oldest and most important branches of vocabulary knowledge. "Qur'anic forms" refers to the different meanings of words or phrases from the Qur'an that have different meanings in different contexts of the Qur'an. Undoubtedly, without paying attention to this importance, it will not be possible to achieve a correct understanding of Qur'anic words and expressions. A look at the narrative heritage of Ahl al-Bayt (PBUH) shows that a large amount of "Qur'anic aspects" have been explained and interpreted at the two levels of nouns (420 words) and phrases (60 phrases). Considering the divine position of the family of Revelation, and their leadership in the field of speech, taking advantage of the correct opinions of these leaders has an effective role in dealing with misunderstandings in understanding the words of the Qur'an and wrong interpretations of the Qur'anic phrases. In the transition of Islamic history, many scholars have written works on this subject, but despite the variety and number of works available in this field, none of them.

**Keywords:** Ahl al-Bayt (pbuh), explanatory narrations, knowledge of vocabulary, aspects of the Qur'an, translation of the Qur'an.

### چکیده

دانش مفردات، باهدف خدمت به فهم واژگان و عبارات دشواریاب قرآنی بنیان نهاده شد. پیشینه پیدایش این دانش، به سده دوم هجری بازمی‌گردد. نخستین آثار تفسیری نگاشته‌شده در جهان اسلام، به‌واقع کتاب‌هایی در جهت تفسیر و تبیین مفردات دشوار قرآنی بوده‌اند که در قالب غریب القرآن‌ها، معانی القرآن‌ها و مجاز القرآن، یا به عرصه نشر نهادند. دانش مفردات خود از زیرشاخه‌هایی تشکیل شده است؛ «وجوه قرآنی» یکی از کهن‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های دانش مفردات به‌شمار می‌رود. «وجوه قرآنی» به معانی مختلف واژگان یا عباراتی از قرآن اطلاق می‌گردد که در سیاق‌های مختلف قرآن معانی مختلفی دارند. بی‌شک بدون توجه بدین مهم، دستیابی به فهم درست واژگان و عبارات قرآنی فراهم نخواهد بود. نگاهی به میراث روای اهل بیت (ع) نشان می‌دهد که حجم گسترده‌ای از «وجوه قرآنی» در دو سطح مفردات (۴۲۰ واژه) و عبارات (۶۰ عبارت) تبیین و تفسیر گشته است. نظر به جایگاه الهی خاندان وحی، و پیشوایی ایشان در عرصه سخن‌دانی، بهره‌گیری از نظرات صائب این پیشوایان، نقش مؤثری در مقابله با کژفهمی‌ها در فهم واژگان قرآن و تأویلات ناروا از عبارات قرآنی دارد. در گذار تاریخ اسلام، عالمان بسیاری در این موضوع، آثاری نگاشته‌اند، اما با وجود تنوع و تعدد آثار موجود در این زمینه، در هیچ‌یک از آن‌ها دیدگاه‌های خاندان وحی که نقش مهمی در دستیابی به فهم صحیح از قرآن دارند، انعکاس نیافته است. نتیجه آن‌که در دوران معاصر، بسیاری از مترجمان فارسی‌زبان قرآن، که با تکیه بر دیدگاه عالمان لغت به معادل‌یابی واژگان قرآنی روی آورده‌اند، در موارد متعددی یا در دستیابی به معنای واژگان و عبارات قرآن به خطا رفته‌اند و یا معنای دقیق آن‌ها را درنیافته‌اند؛ از این‌رو، رسالت پژوهش حاضر، از یکسو تبیین اهمیت توجه بدین میراث مهم و از دیگرسو، جبران کاستی ترجمه‌های قرآنی است. محور پژوهش پیش‌رو بر آیات و روایات استوار بوده و مستندات آن از طریق اسناد کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری فراهم شده است. روش پژوهش نیز آمیزه‌ای از توصیف و تحلیل است.

کلیدواژه‌ها: اهل‌بیت (ع)، روایات تفسیری، دانش مفردات، وجوه‌القرآن، ترجمه قرآن.

## ۱. مقدمه

از همان عصر نزول قرآن، مسلمانان در پی کشف معانی کتاب الهی و رفع ابهام از مفهوم الفاظ و عبارات قرآنی بوده‌اند. با گذر زمان، نگاه واژه‌پژوهانه به قرآن یا به پای تفسیر کتاب الهی و نیز دیگر علوم قرآنی رشد یافت و رفته رفته به پیدایش گونه تألیفی خاص و مستقلی در آثار اسلامی منجر شد. آثار بسیاری با عنوان «وجوه و نظائر» پدیدار گشتند. در علم «وجوه و نظائر» که یکی از شاخه‌های مفردات قرآنی است، به بررسی واژگانی پرداخته می‌شود که در سیاق‌های مختلف قرآنی، دارای معانی مختلفی باشند. «وجوه قرآن» در عرصه‌های مختلف علوم اسلامی، اسامی متفاوتی یافته است؛ برای نمونه، در ادبیات، تعبیر «اشترک لفظی» یا «چندمعنایی»؛ در علم اصول فقه، «استعمال لفظ بر بیش از یک معنا» و در علوم قرآنی؛ «وجوه» به‌کار رفته است. پدیده «وجوه» در سطح گسترده‌ای به آیات و سوره‌های قرآنی نیز راه یافته است. مهم‌ترین عامل پیدایش «وجوه» را می‌توان توجه به اصل «سیاق» در تفسیر قرآن برشمرد. در روش تفسیری اهل بیت (ع) نیز این اصل همواره مورد توجه قرار گرفته است. به‌حق باید معصومین (ع) را بنیان‌گذاران اصل «سیاق» در تفسیر مفردات قرآنی برشمرد. از منظر امام علی (ع) هر یک از آیات قرآن کریم، کَشِش معانی مختلف را دارد و احتمالات گوناگونی را پذیراست (رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۶۵، نامه ۷۷). بنابراین باید راه فهم صحیح را یافت. آشنایی با مفردات قرآنی، از جمله «وجوه قرآنی» بر فهم صحیح قرآن کاملاً اثرگذار بوده و نقش سازنده‌ای دارد، اما با توجه به گستره معانی لغات در زبان عرب و قائل بودن به بطن قرآن، فهم واژگان قرآن بدون بهره‌گیری از یک منبع مطمئن و استوار، سخت و دشوار خواهد بود و احتمال مصون بودن از خطا بسیار کم است، لذا لازم است تا تکیه‌گاه امنی یافت و احتمال خطا و اشتباه را به حداقل

رساند. از این‌رو؛ شناخت «وجوه قرآنی» بر اساس روایات تفسیری اهل بیت (ع)، یک ضرورت به‌شمار می‌رود.

در گذر تاریخ اسلام، کتاب‌های بسیاری در زمینه «وجوه قرآنی» یا «وجوه و نظائر» به رشته تحریر در آمده‌اند که از آن میان به این آثار اشاره نمود: الوجوه و النظائر فی القرآن العظیم، نوشته مقاتل بن سلیمان بلخی (م ۱۵۰)؛ کتاب الوجوه و نظائر فی القرآن الکریم، نوشته موسی بن هارون (م ۱۷۰)؛ التصاریف، نوشته یحیی بن سلام (م ۲۰۰)؛ ما اتفق لفظه و اختلف معناه ابوالعباس میرد (م ۲۸۵)؛ الوجوه والنظائر ابوهلال عسکری (م ۳۹۵)؛ کتاب الوجوه و النظائر لألفاظ کتاب الله العزیز، نوشته حسین بن محمد دامغانی (م ۴۷۸)؛ نزهة الأعين النواظر فی علم الوجوه والنظائر ابن جوزی (م ۵۹۷) و کشف السرائر فی معنی الوجوه و الأشباه و النظائر، نوشته ابن عماد مصری (م ۸۸۷).

گذشته از آثار پراکنده عالمان اسلامی در شناخت و معرفی «وجوه و نظائر» قرآنی از دوره تابعان تا به امروز، در دوران معاصر نیز، آثاری در قالب کتاب، پایان‌نامه یا مقاله در این‌باره نوشته شده است. کتابی با سلیمان بن صالح قراوی کتابی با عنوان الوجوه و النظائر فی القرآن الکریم در اسه و موازنه، نگاشته است. الهه شاه‌پسند و زینب شیشه‌چی مقاله‌ای با عنوان نقدی بر تعاریف ارائه‌شده از اصطلاح وجوه و نظائر، به رشته تحریر درآورده‌اند و مریم نجفی نیز مقاله‌ای با عنوان اشتراکات لفظی در قرآن نگاشته است.

نگاهی به پیشینه آثار کهن و معاصر نگاشته‌شده در موضوع «وجوه قرآنی» نشان می‌دهد که با وجود تنوع و تعدد آثار موجود در این زمینه، در هیچ‌یک از نگاشته‌های یادشده، دیدگاه‌های خاندان وحی به‌صورت مستقیم مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. اشتراک برخی دیدگاه‌های

الأحادیث و جامع التفاسیر استفاده شده است. در استخراج نمونه‌ها از کتاب‌ها نیز سعی شده از جوامع حدیثی معتبر و کهن شیعه هم‌چون کتب اربعه و دیگر آثار حدیثی کهن (به‌ویژه آثار شیخ صدوق) استفاده شود. تنها در صورت دست‌نیافتن به محتوای مدنظر در منابع روایی کهن، به دیگر منابع روایی متأخرتر مراجعه شده است. از آنجاکه اسناد و طرق روایات مورد استفاده در این پژوهش، گسترده بوده و شمار روایان نامبرده‌شده در این اسناد بسیارند، در این نوشتار، صرفاً به پالایش صاحبان کتب حدیثی که غالباً در عصر خویش از ناقدان حدیث و رجالیان توانا بوده‌اند، اعتماد شده و درباره میزان اعتبار و صحت اسناد و طرق روایات یا وضعیت رجالی روایان آن‌ها سخنی به میان نخواهد آمد.

دایره پژوهش حاضر که مبتنی بر پژوهش صورت‌گرفته در پایان‌نامه کارشناسی ارشد است، صرفاً به روایاتی محدود شده که در آن‌ها، معصومین (ع) معانی متفاوتی برای یک واژه یا عبارت قرآنی بیان نموده‌اند، یا آن‌که از معانی متعدد قابل تصور برای واژه، با تعبیری هم‌چون: «هنا، هاهنا، فی هذا الموضع و...» به معنای خاصی از آن واژه یا عبارت اشاره نموده‌اند، یا آن‌که دست‌کم یک معنا غیر از معنای ظاهری (اصلی)، را برای واژه برشمرده‌اند.

لازم به ذکر است که با توجه به حجم بالای بسیاری از روایات شاهد، به منظور پیشگیری از گسترش حجم نوشتار، بیشتر روایات، به صورت گزینشی و در حد گزارش موضع حاجت، از متن حدیث جدا شده‌اند.

## ۲. تعریف اصطلاحات اختصاصی مرتبط با پژوهش

### ۱-۲- تعریف لغوی و اصطلاحی «وجوه»

علمان لغت، در تبیین معنای واژه «وجه»، معانی مختلفی

وجوه‌نگاران کهن با اقوال اهل بیت (ع)، احتمال بهره‌گیری غیرمستقیم از خاندان وحی را تا حدودی در ذهن زنده نگاه می‌دارد. این در حالی است که مطالعه و بررسی میراث روایی رسیده از اهل بیت (ع)، بیانگر آن است که حجم گسترده‌ای از «وجوه قرآنی» توسط ایشان تبیین و تفسیر شده است. رسالت پژوهش حاضر، از یک‌سو، جبران این کاستی و تبیین جایگاه و اهمیت اقوال معصومان (ع) در زمینه «وجوه قرآنی» بوده و از سوی دیگر، نمایان‌سازی ضرورت بازنگری یا تکمیل ترجمه‌های فارسی قرآن از برخی «واژگان» و «عبارات» قرآنی است؛ واژگان و عباراتی که به دلیل عدم آگاهی از دیدگاه‌های اهل بیت (ع)، ناقص و یا نادرست ترجمه شده‌اند. در این راستا، ترجمه یا ترجمه‌های خاصی مدنظر نبوده؛ چه، بررسی‌های صورت‌گرفته در پژوهش حاضر نشان از آن دارد که بیشتر قریب به اتفاق مترجمان پارسی‌زبان، از مطالعه و انعکاس دیدگاه اهل بیت (ع) در تفسیر و تبیین واژگان و عبارت چندمعنای قرآنی غفلت ورزیده‌اند. شاهد این مطلب در ادامه نوشتار، به دفعات از نظر خواهد گذشت.

محور پژوهش پیش‌رو بر آیات و روایات استوار بوده و مستندات آن از طریق اسناد کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری فراهم شده‌است. در مقایسه دیدگاه تفسیری اهل بیت (ع) در بیان وجوه معنایی «الفاظ» و «عبارات» قرآنی با دیدگاه مترجمان فارسی‌زبان، از نرم‌افزار جامع‌التفاسیر (دربدارنده ۳۹ ترجمه فارسی قرآن) بهره گرفته شده و در مقام مقایسه، دیدگاه همه مترجمان، مورد بررسی قرار گرفته است. به بیان دیگر، جامعه پژوهش پیش‌رو، همه ترجمه‌های نگاشته‌شده به زبان فارسی موجود در نرم‌افزار جامع‌التفاسیر است. برای سهولت در استخراج و حفظ صحت متن احادیث مورد نظر نیز، از نرم‌افزار جامع

## ۳-۲- تعریف اصطلاحی «وجه و نظائر»

برای علم «وجه و نظائر» تعاریف مختلفی از سوی اندیشمندان اسلامی بیان شده است که در این جایگاه به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

در طلیعة کتاب مقاتل بن سلیمان بلخی با نام الوجوه و النظائر فی القرآن العظیم که کهن‌ترین کتاب بر جای مانده در این عرصه است، تعریفی برای «وجه و نظائر» به چشم نمی‌خورد؛ چه، در آن دوران، عالمان علوم مختلف اسلامی به هنگام یادکرد علوم مختلف، تعریفی برای آن‌ها بیان نمی‌کردند، اما محقق کتاب؛ دکتر حاتم صالح الضامن، با تکیه بر عملکرد مقاتل در کتابش و نگاهی به دیگر آثار موجود در این زمینه، به ارائه تعریفی در این زمینه دست زده است:

«چنانچه کلمه واحدی در بخش‌هایی از قرآن با لفظی واحد و حرکتی واحد یاد شود، اما در هر مکان، معنایی غیر از معنای دیگری داشته باشد به هر یک از معانی، «وجه» گویند و چنانچه لفظ، [در یک وجه معنایی] در عبارات و آیاتی از سوره‌های مختلف تکرار شود آن عبارات و آیات را «نظائر» می‌نامند. بنابراین «نظائر» اسمی است برای الفاظ و «وجه»، اسمی برای معانی.» (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۳۲ق: ۸ «مقدمة محقق»).

نخستین تعریف رسمی از این علم را ابوالفرج ابن جوزی (۵۹۷م) در کتاب خویش نزهة الأعیین النواظر، گزارش کرده است. او پس از برشماری تاریخچه نگارش‌ها در این باره در مقدمه اثرش، گوید:

«وجه» عبارت از آن است که یک واژه در چند جای قرآن به یک لفظ و یک حرکت آمده باشد، اما در هر جایگاه، معنایی غیر از جایگاه دیگر داشته باشد و «نظائر»؛ آن است که ظاهر هر

را بیان نموده‌اند. خلیل بن احمد فراهیدی (۱۷۰ق) در العین خویش، «وجه» را مقابل و پیش‌روی هر چیز، معنا کرده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۶۶). ابن‌درید (۳۲۱ق) در جمهرة اللغة، گوید: «وجه الکلام: السبیل الّتی تَقْصُدُها به» یعنی: «وجه کلام عبارت است از راهی که تو [برای بیان منظور خویش] مدنظر قرار داده و برمی‌گزینی.» (ابن‌درید، ۱۹۸۷م، ج ۱: ۴۹۸). جوهری (۳۸۳ق) در کتاب الصحاح آن را به معنای «معروف و شناخته‌شده» تفسیر نموده و در ادامه از قول ابن‌سکیت (۲۴۴ق) بیان می‌دارد که: «الوجه و الجهة» هر دو به یک معنا هستند (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۶: ۲۲۵۴). ابن‌منظور نیز (۷۱۱ق) در لسان العرب به همین معنی اشاره داشته و جمع آن را «وجه» دانسته است: «وجه؛ به معنای معروف و شناخته شده است و جمع آن «وجه» است.» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳: ۵۵۵).

نظر به آنچه گذشت، «وجه یا وجه» در لغت، به مسیر، نحوه یا شیوه بیان معنا یا سخن یا هر چیز دیگر، اطلاق می‌گردد.

## ۲-۲. تعریف لغوی «نظائر»

هرچند رسالت پژوهش حاضر، سخن و گزارش از نظائر قرآنی نیست، اما به دلیل هم‌بستگی میان دو اصطلاح «وجه» و «نظائر» در علوم قرآنی، به تعریف لغوی و اصطلاحی «نظائر» نیز اشاره می‌شود. «نظائر» جمع نظیر و در لغت به معنای مثل و مانند است. فراهیدی این واژه را «مثل و مانند چیزی» معنا نموده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸: ۱۵۶). ابن‌منظور نیز با بیانی دیگر، به همین معنا اشاره نموده است: «و «نظائر» جمع «نظیره» است و آن به معنای مثل و مانند و شباهت در اشکال و اخلاق و کردار و گفتار است.» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۲۱۵).

معنایی‌اش تکرار شده باشد (مقاتل بن سلیمان ۱ و ابن جوزی).

ب) «وجوه»؛ لفظ مشترکی است که در چند معنا استعمال می‌شود و «نظائر» همان الفاظ به‌ظاهر متفاوت، اما با معنایی مترادف یا مشترک هستند (زرکشی و سیوطی).

در مجموع، به زبانی ساده می‌توان گفت: مراد از «وجوه»، همان چندمعنایی واژگان در سیاق‌های مختلف قرآنی است و «نظائر» عبارت است از برشماری شاهد مثال‌های قرآنی مختلف برای هر یک از وجوه معنایی یک لفظ.

۳. وجه برتری و تمایز دیدگاه اهل بیت (ع) بر عالمان لغت در تفسیر «وجوه قرآنی»

فهم صحیح قرآن، نقش مهم و انکارناپذیری را در مسیر هدایت انسان ایفا می‌کند. از آنجا که در سنت رسول خدا (ص) و روایات رسیده از اهل بیت ایشان (ع)، خاندان وحی به‌عنوان مصادیق «قرآن ناطق» و ترجمان حقیقی کتاب الهی برشمرده شده‌اند، توجه به دیدگاه‌های ایشان در فهم درست و همه‌جانبه قرآن ضروری و انکارناپذیر است.

خداوند متعال، تعلیم قرآن را یکی از رسالت‌های رسول خدا (ص) برشمرده است:  $\text{كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ} \Phi$  (بقره/۱۵۱) این مأموریت الهی در سوره واقعه گسترش یافته و ائمه اطهار (ع) را نیز در دربرگرفته است:  $\text{إِنَّمَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ} \Phi$  (واقعه/۷۹). گرچه بیشتر مفسران، معنای ظاهری این عبارت را در نظر گرفته‌اند و

۱. بر پایه آنچه گذشت، مقاتل، خود به تعریفی در این باره دست نزده، اما عملکرد او در متن کتابش و نحوه بهره‌گیری از این دو اصطلاح، خود، مؤید درستی این تعریف است.

کلمه‌ای که در جایگاهی آمده، نظیر کلمه‌ای باشد که در [یک وجه معنا] در آیه‌ای دیگر تکرار شده باشد. (ابن جوزی، ۱۴۰۷ق: ۸۳).

در مقدمه کتاب دامغانی (۴۷۸م)، الوجوه و النظائر لألفاظ کتاب الله العزيز نیز، محقق اثر، تعریفی همسان تعریف موجود در مقدمه کتاب مقاتل را بیان داشته است (دامغانی، ۱۴۱۶ق: ۱۷ «مقدمه محقق»).

بدرالدین زرکشی (۷۹۴م) در البرهان، تعریفی متفاوت از تعاریف گذشته را بیان نموده است:

«وجوه» لفظ مشترکی است که دارای استعمالات معنایی مختلفی باشد (هم‌چون: لفظ «أمة») و «نظائر»، همانند الفاظ مترادف یا مشترک است. او اندیشه تجلی «نظائر» در الفاظ و «وجوه» در معانی را ضعیف شمرده شده می‌داند (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۱۹۳-۱۹۰).

سیوطی (۹۱۱م) نیز با الگوگیری از زرکشی، نظریه حاکی از تعلق «نظائر» به لفظ و «وجوه» به معانی را دارای ضعف و اشکال می‌داند. وی در کتاب خویش الإقتان تعریفی بسان زرکشی را بیان نموده است (سیوطی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۹۷۵-۹۷۶).

تعاریف ارائه شده از سوی عالمان علوم قرآنی، بیشتر تکرار نظرگاه پیشینیان بوده است و تنها نکته درخور توجه، اختلاف نظر زرکشی و سیوطی با دیگران بر سر تعلق وجوه و نظائر به معنا و لفظ است. همه تعاریف ارائه شده از سوی اندیشمندان علوم قرآنی را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

الف) «وجوه» آن است که یک واژه در چند جایگاه قرآنی به یک لفظ و یک حرکت آمده باشد و در هر جا، معنایی غیر از جای دیگر داشته باشد. «نظائر» نیز عبارات یا آیات مختلفی است که در آن‌ها، کلمه‌ای به یک وجه

به بعد فقهی «طهارت» در مس کتاب الهی نظر داشته‌اند، اما پاره‌ای دیگر از مفسران هم چون علامه طباطبایی بر آنند که مراد از مس در این آیه، تنها به مس ظاهری قرآن محدود نمی‌گردد، بلکه منظور دست‌یابی به علم و فهم معارف کلام الله است و تنها ائمه اطهار (ع) - که از هرگونه رجس و پلیدی به دور هستند- مصداق حقیقی «مطهرون» به‌شمار می‌روند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۹: ۱۳۷).

قرآن کریم، کتابی از سنخ «کلام» است و امام علی (ع) در سخنی مؤکد، اهل بیت (ع) را امیران کلام شمرده‌اند.<sup>۱</sup> نگاهی به روش اهل بیت (ع) در شرح واژگان قرآن، از ویژگی‌های منحصر به فرد روش خاندان وحی در تبیین کلمات و عبارات قرآنی پرده برمی‌دارد. برتری و کمال روش اهل بیت (ع) در تبیین واژگان قرآن در پژوهش‌های معاصر، در قالب نمونه‌های عینی تبیین و تصریح شده است (برای آگاهی بیشتر از رک: اصغرپور و دیگران، ۱۳۹۵).

بررسی نمونه‌هایی تبیین وجوه قرآنی توسط عالمان لغت و علوم قرآنی و مقایسه آن با دیدگاه‌های اهل بیت (ع)، ضرورت و اهمیت پرداختن به این شاخه از مفردات قرآن بر پایه دیدگاه‌های خاندان وحی را محسوس‌تر می‌نمایاند. نگاه عالمان لغت به واژگان قرآن، اغلب سطحی، ظاهری و مبتنی بر استعمال روزمره از واژگان است؛ در حالی که، نظرگاه اهل بیت (ع) در تبیین و تفسیر الفاظ، افزون بر کاربست فرهنگی اجتماعی، با پرده‌برداری از لایه‌های زیرین (پنهان) واژه در آیات و عبارت قرآنی و نگاهی همه‌جانبه به معنای آنهاست. در حقیقت،

۱. ... وَإِنَّا لَأَمْرَأَةُ الْكَلَامِ وَفِينَا تَنْشِبُتُ عُرُوقُهُ وَ عَلَيْنَا تَهْدَلُتُ غُصُونُهُ...  
نهج البلاغه، خطبه ۲۳۳.

ژرف‌نگری و توجه به همه جوانب استعمال واژه، مهم‌ترین وجه تمایز و برتری دیدگاه اهل بیت (ع) نسبت به عالمان لغت است. برای نمونه، بیشتر عالمان لغت (هم‌چون: جوهری<sup>۲</sup> (۳۸۳ق)، راغب اصفهانی<sup>۳</sup> (۳۹۶ تا ۴۰۱ق) و...) «عفو» را در مسائل مالی، به انفاق مازاد دارایی یا انفاق خودجوش (نه در پی سؤال نیازمند) معنا کرده‌اند. در حالی که در روایات اهل بیت (ع)، «عفو»، افزون بر مازاد نیاز سالانه، به بهترین بخش مال و دارایی تفسیر شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۵۲؛ ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۷۲ و شیخ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱: ۵۵۴)؛ بدین معنا که «انفاق» زمانی معنا می‌یابد که از بهترین و ارزشمندترین بخش دارایی انجام پذیرد نه از آنچه بدان نیازی نیست یا از ارزش ساقط شده است.

مقاتل بن سلیمان بلخی (م ۱۵۰) و در پی او تفلیسی، برای واژه «عفو» در آیه ۲۱۹ سوره بقره، افزون بر «گذشت و ترک‌کردن»، وجه معنایی دیگر برشمرده‌اند و آن: «فرونی مال و دارایی» معنا می‌نماید: «وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوُ: يَعْنِي الْفَضْلُ مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۷ق: ۶۸؛ تفلیسی، ۱۳۷۱ق، ج ۱: ۲۰۷).

به‌دیگر سخن، معنای این واژه در بیان اهل بیت (ع) و عالمان لغت شیعی<sup>۴</sup> پرورش‌یافته از اندیشه آنان (هم‌چون:

۲. عَفْوُ الْمَالِ: مَا يَفْضَلُ عَنِ النَّفَقَةِ يُقَالُ: أُعْطِيَتْهُ عَفْوُ الْمَالِ يَعْنِي بَغِيرَ

مَسْأَلِهِ (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۶: ۲۴۳۲).

۳. مَا يَسْهُلُ إِفْئَاقُهُ: (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹ش: ۵۷۴).

۴. قرائن تاریخی و رجالی محکمی بر تشیع خلیل بن احمد فراهیدی، نخستین نگارنده لغت‌نامه جامع زبان عربی دلالت دارد. برای آگاهی از این قرائن و شواهد، رک: (حلی، ۱۴۳۱ق: ۱۴۰؛ صدر، ۱۹۵۱م: ۱۴۷ «تقدم الشيعة في علم اللغة»؛ همو، ۱۴۲۷ق: ۴۱۷-۴۱۹؛ امین، ۱۴۰۳ق، ج ۶: ۳۳۷-۳۴۶).

شریفه را به «عهد و پیمان» تفسیر کرده است<sup>۲</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳: ۸۴).

همان‌گونه که گذشت، با اندکی تأمل در نمونه‌وجوه تبیین‌شده از سوی اهل بیت (ع) و تطبیق آن با دیدگاه‌های عالمان لغت و علوم قرآنی، برتری دیدگاه معصومین (ع) نسبت به دیگران از دو جهت مشهود است؛ نخست: توسعه معنایی واژگان و عبارات قرآن، دیگر: توجه به جوانب (لایه‌های) پنهان معنایی واژه یا عبارت.

۴. گستره انعکاس «وجوه قرآنی» در روایات تفسیری اهل بیت (ع)

دستاوردهای پژوهش حاضر بیانگر آن است که اهل بیت (ع) در مقام تبیین و تفهیم کلام الله، وجه یا وجوه معنایی متفاوتی را برای شمار درخور توجهی از کلمات و عبارات قرآنی برشمرده‌اند و گاه، خود نیز تصریح نموده‌اند که پاره‌ای الفاظ عبارات قرآنی، در سیاق‌های مختلف، دستخوش تغییر وجه معنایی می‌شوند.

نتایج بررسی‌های این نوشتار حاکی از آن است که مجموع وجوه تبیین‌شده، به دو گونه «مفردات» و «ترکیبات» قابل تفکیک است. شمار روایات وارده در زمینه «وجوه قرآنی» در سطح مفردات (تک‌واژگان) بسیار است، به‌گونه‌ای که بخش عمده پژوهش حاضر به این امر اختصاص یافته است. سخن از معانی ظاهری (سطح اول) یک واژه در قرآن کریم، از سوی اهل بیت (ع) به‌وفور مشاهده می‌شود. ائمه (ع)؛ گاه به وجوه معنایی دیگر واژه در سطح ظاهر، اشاره نموده‌اند و گاه به سطح پنهانی

خلیل بن احمد فراهیدی<sup>۱</sup> توسعه معنایی یافته است. هرچند، اهل بیت (ع) به تصریح خویش، همواره متناسب با سطح فهم مخاطب سخن رانده‌اند؛ از این رو، بیان معانی ظاهری و عرفی واژگان در بیان ایشان نیز یافت می‌شود، اما معانی خاص و توسعه‌یافته تنها در بیان خاندان وحی به چشم می‌خورد.

نمونه‌ای دیگر: جلال‌الدین سیوطی (م ۹۱۱ق) در *الایقان*، در تبیین وجه معنایی «سُکّاری» در آیه *...لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ* (نساء: ۴۳)، مراد از آن را «حال مستی» دانسته است (سیوطی، ۱۳۹۲ش، ج ۱: ۶۷). درحالی که در روایات اهل بیت (ع)، واژه «سُكَارَى» افزون بر معنای ظاهری، توسعه معنایی یافته و به «مستی ناشی از خواب‌آلودگی» نیز تفسیر شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۳۷۱). یعنی: «در حالی که خواب‌آلوده هستید، به نماز نزدیک نشوید.» این تفسیر، با روایتی از امام علی (ع) در برشماری اقسام «سُکْر»، انطباق دارد: *قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): «السُّكْرُ أَرْبَعُ سَكَرَاتٍ سُكْرُ الشَّرَابِ وَسُكْرُ الْمَالِ وَسُكْرُ النَّوْمِ وَسُكْرُ الْمُلْكِ؛ مستی چهار نوع است: مستی شراب، مستی مال، مستی خواب و مستی حکومت.»* (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۳۶۵).

همو (سیوطی) در کتاب خویش، برای واژه «قَضَاء» پانزده وجه معنایی در قرآن برشمرده و مراد از آن را در آیه بیست و سوم سوره اسراء؛ *لَوْ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ* را «وصیت» دانسته است (سیوطی، ۱۳۹۲ش، ج ۱: ۷۱). در حالی که، امام علی (ع) این واژه در آیه

۲. چه بسا مراد حضرت، عهد و پیمانی باشد که خداوند متعال در عالم دَرّ از بشر گرفته باشد که در این عالم، در نهاد و فطرت پاک انسانی قابل درک و شناخت است.

۱. خلیل بن احمد، در بیان معنای «عفو»، گذشته از معانی رایج، هم‌نوا با خاندان «وحی»، آن را به «أَحْلُ الْمَالِ وَأَطْيَبُهُ»، تفسیر کرده است: (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۲۵۸).

۱-۵- وجوه معنایی «اسم»ها در روایات اهل بیت (ع)  
 نمونه نخست: عالمان لغت، معانی مختلفی برای واژه  
 «ایمان» برشمرده‌اند. مثلاً راغب اصفهانی (۳۹۶ تا ۴۰۱ق)  
 در بیان معنای این واژه گوید:

«ایمان» گاهی اسم است برای دین و شریعتی که  
 حضرت محمد (ص) آن را آورده است. «ایمان»  
 بدین معنا همه کسانی را که به خدا و نبوت آن  
 حضرت اقرار داشته باشند را دربرمی‌گیرد. گاه نیز  
 این واژه بر سبیل مدح به‌کار می‌رود و مراد از آن،  
 اذعان و تصدیق نفس است نسبت به حق. (راغب  
 اصفهانی، ۱۳۶۹ش: ۳۱).

بیشتر مترجمان فارسی‌زبان قرآن نیز واژه «ایمان» در  
 آیه  $\Gamma$  و  $\Delta$  و  $\Theta$  که  $\Gamma$  و  $\Delta$  و  $\Theta$  را به همان معنای اصطلاحی‌اش معنا  
 کرده‌اند، اما در روایات رسیده از اهل بیت (ع)، واژه  
 «ایمان» در این جایگاه وجه معنایی دیگری به خود گرفته  
 و از معنای اصطلاحی‌اش عدول نموده است: «قَالَ أَمِيرَ  
 الْمُؤْمِنِينَ (ع): فَسَمِيَ سُبْحَانَهُ الصَّلَاةُ هَاهُنَا إِيْمَانًا وَ هَذَا  
 دَلِيلٌ وَأَضَحُّ عَلَى أَنْ كَلَامَ الْبَارِيِّ سُبْحَانَهُ لَا يُشْبِهُ كَلَامَ الْخَلْقِ  
 كَمَا لَا يُشْبِهُ أَعْمَالُهُ أَعْمَالَهُمْ»؛ خداوند سبحان در این جا  
 «نماز» را «ایمان» نامیده و این خود دلیل روشنی است بر  
 آن‌که، سخن خداوند باری تعالی به کلام مردم شباهت  
 ندارد، همان‌گونه که افعالش به کارهای آن‌ها شباهت ندارد  
 (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۰: ۹).

در روایت دیگر، از امام صادق (ع)، تفسیری مشابه  
 گزارش شده است: «قَالَ الصَّادِقُ (ع): أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمَّا  
 صَرَفَ نَبِيَّهُ ص إِلَى الْكَعْبَةِ عَنِ الْبَيْتِ الْمُقَدَّسِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ  
 وَ جَلَّ:  $\Gamma$  وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيْعَ إِيْمَانَكُمْ  $\Phi$  فَسَمِيَ الصَّلَاةُ  
 إِيْمَانًا»؛ زمانی که خداوند عز و جل پیامبرش (ص) را از  
 جانب بیت‌المقدس به سوی کعبه برگرداند، این آیه را نازل

(تأویلی) پرداخته و معنایی متفاوت از معنای ظاهری را  
 بیان نموده‌اند. گاه نیز به تعیین مصداق بیرونی (خارجی)  
 برای واژه یا عبارت روی آورده‌اند. در پاره‌ای موارد نیز،  
 مراتب یک امر (حقیقت) را برشمرده و در برخی موارد  
 دیگر، به منظور تبیین معنا، مضاف‌البه یا صفتی برای واژه  
 یا عبارت، آورده‌اند که در صورت اطلاع از آن‌ها، معنا  
 روشن می‌گردد.

در این پژوهش، در مجموع، بیش از ۴۲۰ تک‌واژه و  
 ۶۰ عبارت که وجوه معنایی متفاوتی دارند، از روایات  
 تفسیری اهل بیت (ع) گردآوری شده و مورد بررسی قرار  
 گرفته است.<sup>۱</sup> به دلیل گستردگی، تنها به ذکر نمونه‌هایی از  
 آن‌ها بسنده می‌شود.

۵. انعکاس «وجوه قرآنی» در روایات اهل بیت (ع) در  
 حوزه «تک‌واژه‌ها»

نتیجه بررسی‌های این نوشتار نشان می‌دهد که مجموع  
 «وجوه قرآنی» تبیین‌شده در سطح «تک‌واژگان» را  
 می‌توان به سه دسته مجزای «اسم»، «فعل» و «حرف»  
 تفکیک نمود. در ادامه، به نمونه‌هایی از وجوه مختلف  
 معنایی واژگان، در هر یک از سه سطح یادشده اشاره  
 خواهد شد. در لابه لای گزارش‌ها، با نگاهی تحلیلی،  
 دیدگاه عالمان لغت با اهل بیت (ع) مقایسه می‌گردد تا از  
 یک‌سو، وجه برتری و تفاوت دیدگاه خاندان وحی بر  
 عالمان لغت و مفسران تبیین گردد و از سوی دیگر، لزوم  
 توجه (بازنگری) مترجمان قرآن بدین دیدگاه‌ها در تبیین  
 وجوه معنایی واژگان و عبارات قرآنی بیش از پیش نمایان  
 شود.

۱. آمار یادشده، حاصل احصاء صورت‌گرفته در پایان‌نامه مقطع  
 کارشناسی‌ارشد نگارنده است.



کرد: «و خداوند هرگز نمازهایتان را ضایع نخواهد کرد.» و «نماز» را «ایمان» نامید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۳۳).

محمد بن مسعود عیاشی (م ۳۲۰) نیز در تفسیر خویش، روایتی از امام صادق (ع) در تفسیر کلمه «ایمان» آورده که آن حضرت، «ایمان» را یکسر عمل خوانده و «قول»، را بخشی از «عمل» دانسته است. سپس در فراز پایانی فرموده خویش، با استناد به آیه فوق، «ایمان» یادشده در آیه را به «صلاة» تفسیر کرده‌اند (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۶۳-۶۴).

نمونه دوم: بسیاری از مترجمان قرآن، به هنگام تفسیر و ترجمه آیه شریفه  $\Gamma \square \text{أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ} \Phi$  نساء: ۵۴. واژه «الکتاب» را به کتاب آسمانی یا شریعت، معنا کرده‌اند؛ در حالی که در روایت امام صادق (ع) مراد از «الکتاب» در این جایگاه، «نبوت و پیامبری» خوانده شده است.<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۰۶)؛ یعنی، خداوند متعال در آیه مذکور، به امر نبوت که در خاندان حضرت ابراهیم (ع) قرار داده شده، اشاره نموده است.

نمونه سوم: همه مترجمان فارسی‌زبان قرآن، واژه «یتیم» در عبارت  $\Gamma \square \text{أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ} \Phi \square$  ضحی: ۶-۷ را به «بی‌پدر یا بی‌پناه» معنا کرده‌اند. هم‌چنین جز میبیدی که به نقل از خواجه عبدالله انصاری، واژه «ضال» در آیه مذکور را «نهانی» معنا نموده (میبیدی، ۱۳۷۱ش، ۱۰: ۵۲۱)، سایر ۳۸ مترجم فارسی زبان قرآن، این واژه را «سرگشته، گمشده یا ناآگاه»، معنا نموده‌اند. در حالی که امام رضا (ع)، به وجه معنایی درست

۱. ... عَنْ حُرَّانَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ فَقَالَ النَّبِيُّ» قُلْتُ: الْحِكْمَةُ؟ قَالَ: الْفَهْمُ وَ الْقَضَاءُ قُلْتُ: وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا؟ قَالَ: الطَّاعَةُ.

واژه، متناسب با شأن و جایگاه الهی رسول خدا (ص) توجه نموده و «یتیم» را «بگانه و بی‌همتا»<sup>۲</sup> و «ضال» را «گمنام و ناشناخته» معنا فرموده‌اند<sup>۳</sup> (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۹۸).

مراد از یتیمی پیامبر اکرم (ص)، به واقع؛ «بی‌مانندی و دُرْدانه‌گی» آن حضرت نسبت به دیگران است. و مراد از «ضال» گمنامی آن حضرت در میان مردم است؛ بدین معنا که اعراب جاهلی از شأن و عظمت و مأموریت الهی آن حضرت بی‌خبر بودند؛ لذا به فرموده حضرت، خداوند مردم را به سوی رسول خدا (ص) هدایت نمود.

عبدالله بن عباس نیز که همه دانش و داشته تفسیری خود را وام‌دار امام علی (ع) است (ابن عطیة آندلسی، ۱۴۲۲، ج ۱: ص ۴۱)<sup>۴</sup> نیز در تفسیر این عبارت، سخنی هم‌سو با خاندان وحی بیان داشته است. شیخ صدوق در روایتی از ابن عباس نقل کرده:

... سلیمان بن مهران عن عباية عن ابن عباس قال:  
سألته عن قول الله عزَّ و جلَّ «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا

۲. در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی نیز پس از نقل روایتی از امام باقر یا امام صادق (ع) در تفسیر «یتیم» به «بی‌همتا و یگانه»، از قول علی بن ابراهیم آمده: «قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ ثُمَّ قَالَ: «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ»، قَالَ: الْيَتِيمُ الَّذِي لَا مَثَلَ لَهُ وَ لِذَلِكَ سَمِيَتْ الدَّرَةُ الْيَتِيمَةَ لِأَنَّهُ لَا مَثَلَ لَهَا»: (قمی، ۱۳۶۳ش، ۲: ۴۲۷).

۳. ... عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْجَهْمِ، قَالَ: حَضَرْتُ مَجْلِسَ الْمَأْمُونِ - فَذَكَرَ الْحَدِيثَ الَّذِي فِيهِ ذِكْرُ آيَاتِ أَلْتِي سَأَلَ الْمَأْمُونُ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي عَصْمَةِ الْأَنْبِيَاءِ - قَالَ الرَّضَا (ع): «قَالَ اللَّهُ تَعَالَىٰ لِنَبِيِّ مُحَمَّدٍ (ص): أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ يَقُولُ: أَلَمْ يَجِدْكَ وَحِيدًا فَآوَىٰ إِلَيْكَ النَّاسُ وَ وَجَدَكَ ضَالًّا يَعْنِي عِنْدَ قَوْمِكَ فَهَدَىٰ أَيْ هَدَاهُمْ إِلَىٰ مَعْرِفَتِكَ وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ يَقُولُ: أَغْنَاكَ بِأَنْ جَعَلَ دَعَاكَ مُسْتَجَابًا». فَقَالَ الْمَأْمُونُ: بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ.

۴. ... وَ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: «مَا أَخَذْتَ مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ فَعَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ».

فَاوَى» قَالَ إِنَّمَا سُمِّيَ يَتِيمًا لِأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ لَهُ نَظِيرٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَلَا مِنَ الْآخِرِينَ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُمْتَنًّا عَلَيْهِ بِنِعْمَتِهِ - أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا أَى وَحِيدًا لَا نَظِيرَ لَكَ - فَاوَى إِلَيْكَ النَّاسُ وَ عَرَفَهُمْ فَضَلَّكَ حَتَّى عَرَفُوكَ وَ وَجَدَكَ ضَالًّا يَقُولُ مَسْئُوبًا عِنْدَ قَوْمِكَ إِلَى الضَّلَالَةِ فَهَدَاهُمْ لِمَعْرِفَتِكَ. (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۵۳)

طبرانی (م ۳۶۰) در تفسیر خویش، در این باره گوید: «و الْعَرَبُ تُسَمَّى الْمُنْفَرِدَ يَتِيمًا؛ يَقُولُونَ: «الدَّرَّةُ الْيَتِيمَةُ» يَرِيدُونَ بِذَلِكَ أَنَّهَا مُنْفَرِدَةٌ لَا نَظِيرَ لَهَا؛ يَعْنِي: عَرَبٌ، هِرْ قِيزِ تَكْ وَ يِگَانَه رَا «يَتِيم» مِي نَامِد. گويند: «الدَّرَّةُ الْيَتِيمَةُ» وَ مَرَادِ آن هَا از اين تعبير آن است كه آن مرواريد، تك است و مانند ندارد (طبرانی، ۲۰۰۸م، ۱: ۳۷۹).

سید رضی (م ۴۰۶) نیز در تفسیر آیه سوم سوره نساء و بیان معنای واژه «الیتامی» گوید:

وَ كَانَ الْمُفْضَلُ الضَّبِّيُّ يُخَالِفُ فِي أَصْلِ الْيَتِيمِ فَيَقُولُ: «هُوَ الْإِنْفِرَادُ وَ كُلُّ مُنْفَرِدٍ يَتِيمٌ». قَالَ: «وَ يُقَالُ لِلرَّمْلَةِ الْمُنْفَرِدَةِ عَنِ الرَّمَالِ: «يَتِيمَةٌ» وَ يُقَالُ لِلْبَيْتِ الْمُنْفَرِدِ مِنَ الشَّعْرِ: يَتِيمٌ، وَ يُقَالُ «الدَّرَّةُ الْيَتِيمَةُ»، يَرَادُ بِذَلِكَ الْمُنْفَرِدَةَ عَنِ أَشْكَالِهَا وَ نَظَائِرِهَا لِجَلَالَةِ قَدَرِهَا» (سید رضی، ۱۴۰۶ق، ۵: ۳۰۳).

یعنی: مفضل بن ضبی در بیان اصل و گوهر معنایی «یتیم» نظری متفاوت داشت و می گفت: «یتیم» انفراد است و هر چیز منفرد و تکی، «یتیم» است. [همچنین] گفته است: «و به تلّ شنی که از سایر شن زارها جدا افتاده، «یتیمه» گویند، همچنین به یک بیت جداگانه [و خاص] از شعر، «یتیم» گویند، همچنین گویند: «الدَّرَّةُ الْيَتِيمَةُ»؛ چه، در ارزش و بها، از سایر مرواریدهای هم شکل و نظیرش جدا گشته است.

همه آنچه گذشت، مؤید صحت تفسیر اهل بیت (ع) در بیان معنای دو واژه «یتیم» و «ضال» است که با شأن عصمت رسول خدا (ص) نیز سازگار است. با این وصف، مترجمان قرآن در معنایی این دو واژه، به دلیل عدم نظرداشت دیدگاه اهل بیت (ع) به خطا رفته اند.

## ۲-۵- وجوه معنایی «فعل»ها در روایات اهل بیت (ع)

معصومین (ع) در تفسیر آیات قرآن، برای افعال نیز، وجه یا وجوه معنایی برشمرده اند که در ادامه به نمونه هایی از آن ها اشاره خواهد شد:

نمونه اول: همه مترجمان قرآن، معنای فعل «لَا يَعْقِلُونَ» در آیه □ و مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دَعَاءً وَ نِدَاءً صَمٌّ بِكُمْ عَمِي فَهَمْ لَا يَعْقِلُونَ □ بقره: ۱۷۱. را «تعقل نمی کنند» یا «نمی اندیشند» یا «در نمی یابند» و امثال این ها بیان کرده اند، اما از نظر امام صادق (ع)، فعل یادشده دستخوش تغییر معنایی شده و وجوه معنایی دیگری می توان برای آن در نظر گرفت:

قَالَ الصَّادِقُ (ع): قَالَ اللَّهُ: □ فَهَمْ لَا يَعْقِلُونَ □ يَعْنِي لَأَ يَنْطِقُونَ وَ لَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ؛ خداوند فرمود: «پس آن ها نمی اندیشند» یعنی در آخرت سخن نمی گویند و به آن ها اجازه عذرخواهی داده نمی شود.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۲).

این تفسیر حضرت، با نظرداشت این حقیقت که لازمه تکلم، تعقل است، کاملاً انطباق دارد. شاید به همین روست که عالمان علم منطق و فلسفه، انسان را به «حیوان ناطق» نامبردار کرده اند؛ چه فصل ممیز انسان با حیوان، قوه نطق برآمده از تعقل است.

نمونه دوم: بیشتر مترجمان و مفسران قرآن، فعل امر «طَهَّرُ» در آیه □ وَ ثِيَابَكَ فَطَهَّرْ □ مدثر: ۴. را که به معنای

«پاکیزه گردان یا نگهدار» یا «پاک کن» و ... معنا کرده‌اند، حال آنکه طبق روایات وارده، فعل مذکور در این جایگاه از معنای اصلی خود عدول نموده و وجه معنایی دیگری به خود گرفته است:

قَالَ الصَّادِقُ (ع): فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: Γ وَ ثِيَابَكَ فَطَهَّرْ Φ قَالَ قَشَمَرٌ: فِي هَذَا كَلَامِ خَدَاوَنْدِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَلَبَّاسْتَ رَا پَاكِيْزَه دَار.»  
می‌فرماید که: لباست (آستینت) را بالا بزن!  
(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۴۵۵).

امام کاظم (ع) در روایتی دیگر، در تفسیر این آیه فرموده‌اند: لباس ایشان پاک (طاهر) بود و به او تنها بالازدن آستین را امر نمود<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۴۵۶).

نگاهی به معنای اصطلاح «تشمیر» در کاربرد اصیل عرب و بیان عالمان اغت، نشان از کنایی بودن تعبیر قرآن دارد. ابن‌درید (م ۳۲۱) در بیان معنای این ریشه گوید:  
«و شَمَّرٌ فِي أَمْرِهِ تَشْمِيرًا، إِذَا جَدَّ وَ شَمَّرَ مِنْ ثِيَابِهِ، إِذَا قَبَضَهَا إِلَيْهِ. وَ شَمَّرَ أَذْيَالَهُ لِهَذَا الْأَمْرِ، إِذَا تَاهَبَ لَهُ وَ مَنَه: «رَجُلٌ شَمَّرَى»، إِذَا كَانَ جَادًّا فِي أُمُورِهِ»  
(ابن‌درید، ۱۹۸۷م، ج ۲: ۷۳۳).

همان‌گونه که پیداست، «تشمیرِ ثوب» معادل «آستین بالازدن» فارسی است. این تعبیر کنایه از جدیت و به‌کارگیری اراده راسخ در کار است. با این وصف، نظرگاه مترجمان و مفسران در کشف مراد از «و ثِيَابَكَ فَطَهَّرْ» با دیدگاه وحیانی خاندان عصمت تفاوت دارد.

### ۳-۵- وجوه معنایی «حرف»ها در روایات اهل بیت (ع)

از منظر اهل بیت (ع) حروف نیز، همانند واژگان و افعال، در سیاق‌های مختلف قرآنی، وجوه معنایی مختلفی به خود می‌گیرند. امام علی (ع) تعداد حروفی را که در قرآن دچار تغییر معنا شده و از معنای اصلی خویش جدا گشته‌اند را فراوان می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۰: ۳۲). در ادامه به نمونه‌ای از وجوه متفاوت معنایی حروف در قرآن، اشاره خواهد شد:

نمونه اول: یکی از آیاتی که در آن، حروف وجه معنایی دیگری یافته‌اند، آیه Γ وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ Φ نساء: ۹۲ است. به فرموده حضرت علی (ع)، حرف «إِلَّا» در آیه فوق، به معنای استثناء نیست، بلکه در جایگاه «لا» نفی بوده و معنای آن را می‌رساند. با این وصف، آیه این‌گونه معنا می‌شود: «هیچ فرد باایمانی نیست که مؤمنی را به قتل برساند؛ نه از روی عمد و نه از روی خطا...»<sup>۲</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۰: ۳۲).

نمونه دوم: بر پایه روایتی از امام علی (ع)، حرف «إِلَّا» در عبارت قرآنی «...وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ... Φ» به معنای «لا» به‌کار رفته است (قمی، ۱۳۶۳ش، ۱: ۹). چنانچه در آیه مورد بحث، «إِلَّا» را در حکم استثناء بگیریم، معنای آیه چنین خواهد بود: «و هر جا بودید روی خود را به سوی آن (مسجد الحرام) بگردانید تا مردم را بر ضد شما دستاویزی نباشد، مگر کسانی از آن‌ها که ظلم کردند.» در حالی‌که اگر بر پایه فرمایش امام علی (ع)، آن را حرف نفی به‌شمار آوریم،

۱. وَ الشَّمَّرُ: تَشْمِيرُ الثَّوْبِ. [تَقُولُ]: شَمَّرْتُ الثَّوْبَ، إِذَا رَفَعْتَهُ. وَ كَلَّ شَيْءٌ قَالِصٌ فَإِنَّهُ مُتَشَمَّرٌ (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۲۶۱).  
۲. ... قَالَ الْكَاطِمُ (ع): وَ كَانَتْ ثِيَابُهُ طَاهِرَةً وَ إِنَّمَا أَمْرُهُ بِالتَّشْمِيرِ.

۳. ... قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): «وَ أَمَّا مَا جَاءَ فِي أَوَّلِ التَّنْزِيلِ حَرْفُ مَكَانٍ حَرْفٍ... □ وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً □ مَعْنَاهُ وَ لَا خَطَاً.»

یعنی: «مرگ و فقدان عالمان» معنا شده است<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۸). این تفسیر، در روایتی از امام صادق (ع) نیز بیان شده است<sup>۳</sup> (صدوق، ج ۱: ۱۸۶).

مثال دوم: عبارت: «فَاخْلَعُ نَعْلَيْكَ» در آیه شریفه I إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى Φ طه: ۱۲. از سوی مترجمان قرآن «کفش‌هایت را بیرون آر» ترجمه شده است، اما معصومین (ع) در روایات خویش، برای «فَاخْلَعُ نَعْلَيْكَ» دو وجه معنایی دیگر برشمرده‌اند که با معنای برآمده از ظاهر عبارت تفاوت دارد؛ یکی: «دور ساختن ترس از خود»<sup>۴</sup> (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۶۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۳: ۶۴) و دیگری: «اخلاص در حبّ الهی»<sup>۵</sup> (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۶۰).

نمونه سوم: یکی از آیات که به موضوع عصمت انبیاء (ع) مربوط است و از سوی مفسران متکلمان، معرکه آراء و اندیشه‌های مخالف بوده، آیه I قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ Φ قصص: ۱۶ است. در این آیه، حضرت موسی (ع) خطاب به خداوند متعال عرضه می‌دارد که: «پروردگارا! من بر خویشتم ستم کردم، مرا ببخش.» نکته درخور بررسی در آیه شریفه، توجه به معنای فعل «غفر» است. از نگاه عالمان لغت، برای این

۲. ... قَالَ السَّجَّادُ (ع): «أُ و لَمْ يَرَوْا أَنَا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا» وَ هُوَ ذَهَابُ الْعُلَمَاءِ.

۳. ... قَالَ الصَّادِقُ (ع): فَقَدْ أَلْعَمَاءُ.

۴. ... قَالَ الصَّادِقُ (ع): «يَعْنِي أَرْفَعُ خَوْفِيكَ».

۵. ... قَالَ الْمَهْدِيُّ صَاحِبَ الزَّمَانِ (ع): «فَاخْلَعُ نَعْلَيْكَ □ أَيُّ أَنْزَعُ حُبَّ أَهْلِكَ مِنْ قَلْبِكَ إِنْ كَانَتْ مَحَبَّتِكَ لِي خَالِصَةً وَ قَلْبِكَ مِنَ الْمَيْلِ إِلَيَّ مِنْ سِوَايَ مَغْسُولًا» ترجمه: «پس کفش‌های خود را بیرون آر» یعنی عشق به خانواده‌ات را از قلبت بیرون کن؛ چنانچه عشقت نسبت به من خالص است و قلبت به غیر من اشتیاقی ندارد.»

معنای آیه چنین خواهد بود: «و هر جا بودید روی خود را به سوی آن (مسجد الحرام) بگردانید تا مردم و نیز ظالمان‌شان را بر ضد شما دستاویزی نباشد.»

همان‌گونه که پیداست، با تکیه بر روایت فوق، مشاهده می‌گردد که گاه، حروف نیز وجوه معنایی متفاوتی می‌یابند و در سیاق‌هایی معین، از معنای اصلی خویش عدول نموده و بر معنای خاصی دلالت می‌کنند.<sup>۱</sup> بررسی‌های این پژوهش، نشان می‌دهد هیچ‌یک از مترجمان فارسی‌زبان قرآن، این نکته را در ترجمه آیه یادشده مدنظر نداشته‌اند.

۶. انعکاس «وجه قرآنی» در روایات اهل بیت (ع) در حوزه «ترکیبات»

در حوزه ترکیبات، نیز اهل بیت (ع) گاه برای یک عبارت یا جمله، وجه یا وجوه معنایی متفاوتی برشمرده‌اند. در پژوهش حاضر، بیش از ۶۰ عبارت قرآنی که در بیان اهل بیت (ع)، وجه معنایی خاصی یافته‌اند گردآوری و مورد بررسی قرار گرفته است که به دلیل گستردگی و تنوع آن‌ها از یک‌سو، و محدودیت‌های پژوهش از سوی دیگر، تنها به چند مورد اشاره می‌شود:

نمونه اول: عبارت «نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا» در آیه I أَو لَمْ يَرَوْا أَنَا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا Φ رعد: ۴۱. در بیشتر ترجمه‌ها و تفاسیر قرآن به از میان رفتن اقوام، جوامع و تمدن‌ها معنا شده است. پاره‌ای از مترجمان قرآن، به تاسی از اهل بیت (ع)، این عبارت را به «فقدان عالمان و دانشوران» معنا کرده‌اند. عبارت «کم‌شدن اطراف زمین» در روایتی از امام سجاد (ع)، به «ذهاب العلماء»

۱. برای مشاهده مواردی دیگر از این دست تنوع وجوه معنایی «حروف» در قرآن، رک: (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۸۰ و ۲: ۱۲۶؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۷۸ و ۶۵۹).

فعل، دو معنای مشخص قابل تصور است: ۱. آمرزیدن و بخشیدن گناهان؛ ۲. پوشاندن و پنهان کردن (بستانی، ۱۳۷۵ش: ۶۲). بیشتر مترجمان قرآن در این آیه، مراد از «غفر» را همان «آمزش گناهان» دانسته و آیه را این گونه معنا کرده‌اند: «گفت: پروردگارا! من بر خود ستم کرده‌ام، مرا ببخش».

برخلاف مترجمان، اهل بیت (ع) به وجه معنایی دوم واژه توجه داشته و مراد از «غفر» را در این آیه، «پنهان کردن» دانسته‌اند، نه «آمزش و بخشش». شاهد این تفسیر، را می‌توان در مناظره امام رضا (ع) با مأمون عباسی به چشم دید. در یکی از مناظرات، مأمون با طرح آیه مورد بحث، عصمت انبیاء (ع) را به چالش کشیده و تفسیر درست آیه را از حضرت رضا (ع) جویا شده است. آن حضرت در پاسخ او فرموده‌اند:

«يَقُولُ إِنِّي وَضَعْتُ نَفْسِي غَيْرَ مَوْضِعِهَا بِدُخُولِي هَذِهِ الْمَدِينَةَ «فَاغْفِرْ لِي» أَي اسْتُرْنِي مِنْ أَعْدَائِكَ لِئَلَّا يَظْفَرُوا بِي فَيَقْتُلُونِي «فَغْفِرَ لَهُ» أَي سَتَرَهُ مِنْ عَدُوِّهِ «إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»؛ [حضرت] موسی (ع) در واقع گوید: همانا من با وارد شدن در این شهر، خودم را در جایی قرار دادم که نباید قرار می‌دادم. «فَاغْفِرْ لِي» یعنی مرا از چشم دشمنان پنهان بدار تا به من دست‌نیابند و با من وارد جنگ نشوند. «فَغْفِرَ لَهُ» یعنی از دشمنش پنهان نمود، «چرا که او پوشاننده مهربان است» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۲۶).

همه مترجمان فارسی‌زبان جز بلاغی (م ۱۳۹۷ق) در حجة التفاسیر (۱۳۸۶ش، ج ۵: ۱۰۱) و صفوی در ترجمه قرآن بر اساس المیزان (۱۳۸۸ش، ج ۱: ۳۸۷)، آیه را به خطا و ناسازگار با مسأله «عصمت»، ترجمه کرده‌اند. در حالی که با اندکی اندیشه در معنای حقیقی واژه «ظلم» و

معادل متضاد آن یعنی «عدل» می‌توان به دقت و ظرافت تفسیر امام رضا (ع) پی‌برد. توضیح آنکه، به فرموده امام علی (ع)، «عدل» کارها را در جایگاه خویش مستقر می‌سازد (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۵۳، ح ۴۳۷ یا ۴۴۶). پس می‌توان نتیجه گرفت که «ظلم» کارها را از جایگاه و زمان خویش خارج می‌سازد. با این توضیح، کار حضرت موسی (ع)، به پوشش و پنهان‌سازی از سوی پروردگار نیاز داشت و خداوند او را با این مهم، تأیید و یاری نمود.

نمونه چهارم: آی آغازین سوره انشراح  $\text{لَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ}$  از سوی مترجمان و مفسران، به شرح صدر آن حضرت از سوی خداوند در امر رسالت، معنا شده است. افزون بر این معنای درست، در روایات اهل بیت (ع)، به معنایی باطنی (تأویلی) از این آیه اشاره شده و آن «امر ولایت و جانشینی حضرت محمد (ص)». از ظاهر آیه چنین معنایی به دست نمی‌آید. از نگاه ایشان، عبارت مذکور در این جایگاه این گونه معنا می‌شود: «آیا ما تو را آگاه نکردیم که وصی تو کیست؟»<sup>۱</sup> (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۳: ۲۳).

#### ۶. نتیجه‌گیری

دستاوردهای این پژوهش در بررسی روایات اهل بیت (ع) در تبیین وجوه معنایی ۴۲۰ واژه و ۶۰ عبارت قرآنی نشان می‌دهد:

۱. میراث روایی اهل بیت (ع)، گنجینه‌ای ارزنده، اما ناشناخته در بازشناسی معنای واژگان و عبارات قرآنی به‌ویژه در حوزه شناخت «وجوه قرآنی» است.

۱. قَالَ الصَّادِقِينَ (ع): «فِي قَوْلِهِ تَعَالَى لَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ  $\text{لَمْ نُعَلِّمَكَ مَنْ وَصِيكَ فَجَعَلْنَا نَاصِرَكَ وَ مُدِلَّ عَدُوَّكَ}$ ».

ضمن در نظر گرفتن سطح ظاهری معنا، در راستای اثبات ذو بطون (ذو وجوه) بودن قرآن، لایه‌های دیگر معنا را نیز آشکار می‌سازد.

۶. از آنجا که تأویل قرآن از شؤونات اختصاصی اهل بیت (ع) به‌شمار می‌رود، حجم درخور توجهی از روایات گردآوری شده در این پژوهش و بررسی آن‌ها نشان می‌دهد که در موارد بسیاری، معصومین (ع) به‌معنای پنهان باطنی الفاظ و عبارت قرآنی توجه داشته‌اند.

۷. همان‌گونه که در نمونه‌های متعدد نشان داده شد، عدم توجه به دیدگاه‌های اهل بیت (ع) در تفسیر و تبیین «وجوه قرآنی»، گاه با فهم ناتمام یا نادرستی از الفاظ و عبارات قرآنی را در پی داشته است؛ از این‌رو، با نظر داشت روایات ائمه (ع) می‌توان به‌دور از خطا و گمراهی، به ترجمه یا تفسیر دقیق، درست و همه‌جانبه‌ای از واژگان و عبارات قرآن دست یافت.

۲. دیدگاه اهل بیت (ع) در تبیین وجوه قرآنی، به‌دلیل بهره‌مندی از پشتوانه وحی الهی و تسلط همه‌جانبه به مسائل کلامی و زبانی، از چند جهت بر دیدگاه عالمان، لغت، مفسران و مترجمان قرآن برتری دارد: الف) توسعه معنایی واژگان و عبارات قرآنی، ب) توجه به جوانب (لایه‌های) پنهان معنایی واژگان و عبارات ج) نظر داشت سطوح مختلف معنای واژه یا عبارت، متناسب با سطح فهم مخاطبان.

۳. تفسیر اهل بیت (ع) از وجوه معنایی واژگان در قرآن را در سه سطح «اسمی»، «فعلی» و «حرفی» می‌توان پی‌گرفت.

۴. در تفسیر اهل بیت (ع) از وجوه معنایی واژگان و عبارات قرآنی، توجه به سیاق کاربرد، استعمالات کنایی و استعاری واژگان و عبارات، به‌دقت مورد توجه قرار گرفته است.

۵. تفسیر اهل بیت (ع) از وجوه معنایی واژگان و عبارات، با معنای ظاهری آن‌ها منافاتی ندارد، بلکه

#### منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی‌جمهور احسانی، محمد بن زین‌الدین (۱۴۰۵ق). عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة. تحقیق: مجتبی عراقی. قم: دار سید الشهداء.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی سروی (۱۳۷۹ق). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (ع). قم: علامه.
- ابن جوزی، جمال‌الدین عبدالرحمان (۱۴۰۷ق). نزهة الأعمین النواظر فی علم الوجوه و النظائر. تحقیق: محمد عبدالکریم کاظم‌الراضی. بیروت: موسسه الرساله، سوم.
- ابن‌درید، ابوبکر محمد بن حسن (۱۹۸۷م). جمهرة اللغة، تحقیق: رمزی منیر بعلبکی، بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن عطیة آندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق). المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، تحقیق: محمد عبدالسلام عبدالشافی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. تحقیق و تصحیح: جمال‌الدین میردامادی، بیروت: دار الفکر و دار صادر، سوم.
- اصغریور، حسن (۱۳۹۲ش). تحلیل و تبیین معانی و مقاصد مفردات قرآن در میراث تفسیری اهل بیت (علیهم السلام) و تطبیق آن با آراء واژه‌پژوهان کهن عربی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، رساله دکترا.
- اصغریور، حسن. معارف، مجید. پروینی، خلیل (۱۳۹۵ش). روش‌های اختصاصی اهل بیت (ع) در تفسیر مفردات قرآن، نشریه مطالعات تفسیری، زمستان، شماره ۲۸، ص ۲۶-۷.

- امین، سیدمحسن (۱۴۰۳ق). اعیان الشیعة، تحقیق: حسن امین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- برازش، علی‌رضا (۱۳۹۴ش) تفسیر اهل بیت علیهم السلام. تهران: امیر کبیر.
- بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۵ش). فرهنگ ابجدی الفبایی عربی - فارسی: ترجمه کامل المنجد الأیجدی، مترجم: رضا مهیار، تهران: انتشارات اسلامی، دوم.
- بلاغی، عبد الحجة (۱۳۸۶ش). حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، قم: حکمت.
- تفلیسی، حبیب بن ابراهیم (۱۳۷۱ش). وجوه قرآن. تهران: دانشگاه تهران.
- جوهری فارابی، ابونصر اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة). تحقیق: احمد عبد الغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین.
- حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۳۱ق). خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، تحقیق: جواد قیومی، قم: نشر الفقاهة، چهارم.
- دامغانی، ابوعبدالله حسین بن محمد (۱۴۱۶ق). الوجوه و النظائر لالفاظ کتاب الله العزیز. تحقیق: محمد حسن ابوالزلم الزیفیتی. قاهره: المجلس الأعلى للشؤون الإسلامية.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۹ش). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن. ترجمه: غلامرضا خسروی حسینی. تهران: مرتضوی.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن بهادر (۱۴۱۰ق). البرهان فی علوم القرآن. تحقیق: جمال حمدی ذهبی و ابراهیم عبدالله کردی و یوسف عبدالرحمان مرعشلی، بیروت: دار المعرفة.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمان بن ابی‌بکر (۱۴۲۶ق). الإیتان فی علوم القرآن، تحقیق: مرکز الدراسات القرآنیة، مکة: وزارة الشؤون الإسلامية و الإوقاف و الدعوة و الإرشاد.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲ش). ایتان در علوم قرآن، مترجم: سیدمحمود طیب حسینی (دشتی). قم: انتشارات دانشکده اصول‌الدین، ششم.
- سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۰۶ق). حقائق التأویل فی متشابه التنزیل، شرح: محمدرضا آل کاشف‌الغطاء، بیروت: دار الأضواء.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۴ق). نهج البلاغة. تحقیق: صبحی صالح، قم: هجرت.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل. تحقیق: مؤسسه آل‌البیت (ع). قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- صدر، سیدحسن (۱۹۵۱م). تأسیس الشیعة لعلوم الإسلام، تهران: منشورات الأعلمی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۷ق). الشیعة و فنون الإسلام، تحقیق: سیدمرتضی میرسجادی، قم: مؤسسه السبطين (ع) العالمیة.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵ش). علل الشرایع، قم: کتاب‌فروشی داوری.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵ش). عیون أخبار الرضا علیه السلام. تحقیق: مهدی لاجوردی. تهران: نشر جهان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵ق). کمال‌الدین و تمام‌النعمة. تحقیق و تصحیح: علی‌اکبر غفاری. تهران: اسلامیة، دوم.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳ق). معانی الأخبار. تحقیق و تصحیح: علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- صفوی، محمدرضا (۱۳۸۸ش). ترجمه قرآن بر اساس المیزان، قم: دفتر نشر معارف.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیرالقرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، دوم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶ش). ترجمه تفسیر المیزان. مترجم: محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، سی و نهم.

- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م). التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، اربد: دار الكتاب الثقافی.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). الإحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق: محمداقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). تفسیر العیاشی، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). العین، قم: نشر هجرت، دوم.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش). تفسیر القمی، تحقیق: طیب موسوی جزائری، قم: دار الكتاب، سوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامیه، چهارم.
- کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). تفسیر فرات الکوفی، تحقیق: محمداکظم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مجلسی، محمداقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الائمة الأطهار. تحقیق و تصحیح: گروهی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۳۲ق). الوجوه و النظائر فی القرآن العظیم. تحقیق: حاتم صالح الضامن. ریاض: مکتبه الرشد، دوم.
- میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش). کشف الأسرار و عدة الأبرار، اهتمام: علی اصغر حکمت، تهران: امیر کبیر، پنجم.